



دولت جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت امور زنان

پالیسی

دسترسی زنان به حق میراث و مالکیت

(۱۳۹۸ الی ۱۴۰۲)

پیام وزیر امور زنان:

وزارت امور زنان خرسند است که پالیسی دسترسی زنان به حق میراث و مالکیت را تدوین و جهت تحقق حق میراث و مالکیت زنان با بلند بردن سطح آگاهی عامه و به دور ساختن موانع تصرف و انتفاع زنان از میراث و مالکیت آنرا به منصفه اجرا قرار میدهد.

حق میراث و مالکیت زنان یکی از مهم ترین حقوق بنیادین فردی است که شاخه حقوق مدنی محسوب می شود چرا که ادامه حیات و بقای انسان درگرو تامین نیازها و حوایج مادی اوست و تلاش انسان در رفع احتیاجات مادی بر مبنای برخورداری از مال و حق مالکیت استوار است. با مروری بر پیشینه برخورداری از حق میراث و مالکیت در افغانستان می توان به این نکته پی برد، اغلب زنان از حق میراث و مالکیت در این کشور بی بهره یا کم بهره بوده اند.

دین مقدس اسلام بر داشتن حق مالکیت و میراث زنان تأکید نموده است که به تبع آن ماده ۴۰ و ۴۱ قانون اساسی افغانستان نیز حق مالکیت را به رسمیت شناخته و طی ماده ۲۲ بر عدم تبعیض، تساوی زن و مرد در برخورداری از حمایت قانون اشاره شده است.

اسناد بین المللی حقوق بشر بشمول اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون بین المللی حقوق کودک، کنوانسیون بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (سیدا) بر دسترسی حق مالکیت تأکید داشته و دولت ها را ملزم می نماید تا در راستای تحقق سایر حقوق بشری بشمول حق مالکیت و میراث اقدامات عملی و جدی را روی دست گیرند.

در سطح ملی و بین المللی تضمین های لازم حقوقی پیرامون حق میراث و مالکیت زنان موجود بوده اما چالش اساسی در تطبیق و اجرای تعهدات و قوانین است. زنان افغانستان در کسب و تصرف اموال خویش همواره با مشکلات و چالش های برخاسته از آسیب های فرهنگی، رسوم و عنعنات ناپسند رو برو بوده اند. در بسیاری از خانواده های سنتی در افغانستان زنانی که خواهان گرفتن سهم ارث خود باشند با تهدید و خشونت روبرو می شوند و در بیشتر موارد، مردان حاضر به دادن ارثیه زنان نیستند.

جهت تأمین این دسته از حقوق زنان همکاری ادارات ذیربط، مشارکت مردم، نهاد های حامی حقوق بشر و حقوق زنان ضروری میباشد. وزارت امور زنان تعهد مینماید که جهت تطبیق پالیسی حق میراث و مالکیت زنان در همکاری و هماهنگی سایر نهاد های حکومتی تلاش همه جانبه نموده و کلیه موارد این پالیسی را در عمل تطبیق مینماید.

فهرست عناوین

پیشگفتار.....	Error! Bookmark not defined.
مقدمه.....	۳
هدف.....	۴
مقاصد.....	۴
اصطلاحات این پالیسی.....	۴
منی.....	۵
ضرورت پالیسی.....	۵
شرح پالیسی.....	۵
تحلیل وضعیت.....	۵
ریشه و عوامل مشکل و راه حل آنها.....	۷
ساحه تطبیق پالیسی.....	۱۱
تطبیق.....	۱۱
نظارت.....	۱۱
مقررات نهائی.....	۱۱
تجدیدنظر/ مرور.....	۱۲

مقدمه

از آنجائیکه معلوم است اسلام از حقوق مالی زنان حمایت می‌نماید و این حقوق در قوانین نافذه کشور نیز تصریح گردیده است، اما از لحاظ موجودیت رسوم و عادات ناپسند حاکم در جامعه افغانی، عدم آگاهی عوام از احکام شرعی و قانونی، عدم تطبیق قوانین به صورت یکسان بالای همه باعث گردیده است تا زنان از حقوق مالی و حق میراث خویش محروم گردند. تقسیم میراث برای زنان به خصوص در مناطق دور افتاده و قریه‌جات و قصبات افغانستان موضوع جنجال برانگیزی است که سبب دشمنی، خشونت، قطع روابط و حتی کشت و خون می‌گردد. یکی از دلایل عدم دسترسی زنان به حق میراث و مالکیت شان که منجر به خشونت علیه ایشان می‌گردد، بی‌خبری مردم از احکام شرعی و قوانین نافذه کشور می‌باشد، زیرا اکثر مردم به دلیل عدم آگاهی، بی‌سوادی‌شان و هنجارهای اجتماعی گرفتار مشکلاتی در این راستا می‌شوند.

جامعه افغانستان مانند بسیاری از جوامع دیگر متأثر از عوامل گوناگونی چون عرف و عنعنات ناپسند است. اینکه این جامعه به شدت سنتی می‌باشد، رسوم و عنعنات مختلف در میان مردم رواج دارد که برخی از این رسوم و عنعنات دارای جنبه‌های مثبت می‌باشند، اما برخی دیگر با وجود رسوخ و نفوذشان مخالف صریح با دستورات دینی و مذهبی در جامعه است.

عنعنات ناپسند به یک فرهنگ عمومی در سطح جامعه تبدیل شده است که بر فکر و ذهن جامعه حکومت نموده و تغییر آن با چالشهای فراوانی مواجه می‌گردد. عدم پرداخت حقوق میراث زنان، نادیده گرفتن حق مالکیت زنان، ندادن مهر زنان و عدم اعطای حقوق مالی آنها شامل این عنعنات ناپسند حاکم در جامعه می‌باشد که سبب افزایش خشونت‌ها در سطح کشور گردیده است.

با وجود آنکه اسلام اعطای حق مالی برای زنان را به رسمیت شناخته در اموال و دارایی‌های زن حق تداخل غیر را ممنوع قرار داده است و در آیات قران عظیم الشان خطاب به مردان گفته است که حقوق زنان را به خوشی و نیکویی برایشان بپردازند. اما باز هم در اثر حاکمیت عرف ناپسند حاکم در جامعه افغانی به ندرت زنان از حقوق مالی خویش مستفید می‌گردند. تعداد زیاد زنان تاکنون نتوانسته‌اند حقوق مهر شان را از شوهران شان دریافت نمایند و در بعضی موارد با داشتن پول شخصی، باز هم ملکیت‌های چون، خانه، زمین و شرکت را بنام شان خریداری نمی‌توانند.

با در نظر داشت اینکه زنان با محدودیت‌های مالی، و محرومیت از حق میراث و مالکیت مواجه می‌باشند، وزارت امور زنان برای دسترسی زنان به حقوق شرعی و قانونی زنان، حمایت از زنان بی‌بضاعت، بیوه و دختران یتیم و زنانیکه آگاهی مکمل از حصول حقوق شان در زمینه ندارند. حمایت از آن‌عده زنانیکه با خشونت روبرو میشوند و نمیتوانند حق مهر و میراث قانونی خویش را بدست آورند. ونیز بر اساس مسئولیت رسمی وزارت امور زنان در قبال زنان افغانستان برای تحقق حقوق ایشان پالیسی‌ها را به همکاری علمای دینی بمنظور کاهش و جلوگیری از خشونت علیه زنان و احقاق حقوق شرعی

و قانونی آنها به خصوص در بخش حق میراث و مالکیت زنان در نتیجه تدویر جلسات متعدد و متداوم با ادارات ذیربط (وزارت امور زنان، ستره محکمه، لوی خاڼوالی، وزارت ارشاد، حج و اوقاف، شورای علماء، وزارت عدلیه، وزارت اطلاعات و فرهنگ، اداره مستقل اراضی افغانستان، و انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان، ارگان های محل، وزارت امور داخله، کمیسیون مستقل حقوق بشر، اداره احصایه مرکزی، وزارت معارف، تحصیلات عالی و جامعه مدنی) ترتیب نموده. تا با تطبیق این پالیسی زنان به حقوق خویش نایل گردیده و در رشد اقتصادی کشور سهم فعال داشته باشند.

تعریف اصطلاحات این پالیسی

- ۱- **میراث:** میراث عبارت از قواعد فقهی و ضوابط حسابی است که ذریعه آن نصیب هر وارث در ترکه از موروث بعد از وفات تعیین میگردد.
- ۲- **ملکیت:** ملکیت، حقی است که به مقتضای آن شی تحت اراده و تسلط شخص قرار میگیرد و تنها مالک میتواند در حدود احکام قانون به استعمال، بهره برداری و هر نوع تصرف مالکانه در آن بپردازد.
- ۳- **مهر:** عبارت از مالی است که شوهر بر اساس عقد نکاح و یا جماع به شبیه در مقابل حق زناشویی برای زن میپردازد.
- ۴- **حصر وراثت:** به معنی معلوم کردن تعداد وارث متوفی توسط مراجع ذیصلاح.
- ۵- **ترکه خط:** تقسیم نمودن مال و حقوق مشترک بین ورثه در میراث.
- ۶- **وثایق:** یک یا چند نوع دارایی، حقوق یا اسنادی که به عنوان تضمین تعهدات خریدار یا صادر کننده در اختیار بانک عامل قرار میگیرد.
- ۷- **ملکیت عقاری:** نوعی از اموال غیر منقول که تحت تصرف و انتفاع قرار گرفته بتواند.
- ۸- **وراثت:** وصف شرعی که به اساس آن افراد مستحق ارث از موروث معین شان میگردند.
- ۹- **مال:** هر چیزیکه قابل استفاده، ذخیره و ارزش معاملاتی باشد.
- ۱۰- **نکاح خط:** سند رسمی که در آن شرح عقد نکاح تحریر شده باشد.

هدف

این پالیسی به منظور دسترسی زنان به حق میراث و ملکیت تدوین گردیده است.

مقاصد

۱. افزایش آگاهی عامه در رابطه به حق میراث، ملکیت، مهر و نفقه زنان
۲. ایجاد سهولت در پروسه اخذ حق میراث و ملکیت زنان
۳. اطمینان از فراهم آوری مساعدت های حقوقی برای زنان.
۴. تقویت نظام مصئون حق مالکیت برای زنان.
۵. توانمندی سازی زنان و رفع موانع عرفی در این زمینه.

مبني

این پالیسی در روشنی احکام شریعت اسلامی و طبق ماده ۴۰ قانون اساسی، مواد ۱۹۰۰، ۱۹۰۴، ۱۹۹۳، ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ قانون مدنی افغانستان، قانون منع خشونت علیه زن، ماده ۵، رکن سوم پلان کاری ملی برای زنان افغانستان، و در تطابق به هدف پنجم اهداف انکشاف پایدار و برنامه با اولویت پلان توانمندسازی اقتصادی زنان وضع گردیده است.

ضرورت تدوین پالیسی

در جوامع افغانی بنابر دلایل زیاد از جمله عرف و عنعنات ناپسند و فرهنگ های قبیلوی، زنان در اکثر موارد نمیتوانند از حق ارث و مالی شان بهره ببرند. مبارزه با این مشکلات نیازمند تدوین برنامه‌هایی است که بتواند با برنامه ریزی دقیق و جستجوی راه‌های حل مناسب، زنان قادر به دسترسی حقوق مالی خویش گردند. بدین منظور وزارت امور زنان با درک مشکلات فوق، پالیسی هذا را ترتیب نموده تا با تطبیق آن زنان از حق ارث و مالی شان مستفید گردند.

شرح پالیسی

تحلیل وضعیت

میراث حق مالی و شرعی است، که مطابق شریعت و قانون مدنی افغانستان از ترکه مورث به اندازه حق الارث برای ورثه (مرد و زن) پرداخته می‌شود. اما به علت عدم تطبیق قوانین شرعی و مدنی و حاکم بودن سنت‌های ناپسند در جامعه افغانی، برای اکثریت زنان این حق داده نمی‌شود. تقسیم‌میراث برای زنان به خصوص در مناطق دور افتاده، قرا و قصبات افغانستان موضوع جنجال برانگیزی است که اکثر اوقات باعث بهمیان آمدن منازعه می‌گردد، که سبب خصومت، قطع روابط و حتی باعث برهم زدن نظام خانواده می‌شود. افغانستان با وجودیکه یک کشور اسلامی است و دین مقدس اسلام حق میراث زنان را به رسمت شناخته است، آنها به علل رسم و رواج‌های ناپسند و عدم آگاهی از احکام شریعت اسلامی زنان نمیتوانند به حق میراث خویش دسترسی داشته باشند.

بر مبنای آمار ارائه شده از سوی اداره لوی حارنوالی طی سال های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷، بیست و دو مورد قضایای منع تصرف زنان در ارث و اموال ثبت گردیده است، که نشان می‌دهد زنان به دلایل مختلف نمی‌توانند جهت اخذ میراث به نهاد های عدلی و قضائی مراجعه نمایند.

طبق تحقیقی که توسط نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال در سال ۲۰۱۱ صورت گرفته است، "۵۵٪ مردان در مقابل ۴۵٪ زنان فکرمی‌کنند که زنان حق‌میراث را ندارند. برعکس، ۵۲٪ زنان در مقابل ۴۸٪ مردان به این باوراند که زنان حق‌میراث را دارند. همچنان باشندگان شهرها و جواب دهندگان تحصیل کرده‌می‌خواهند که به زنان حق‌میراث شان داده شود در مقایسه به اشخاصی که بیسواد و یا سطح دانش/تحصیل پائین داشتند. تحقیق نیز نشان‌میدهد که به احتمال بیشتر مردان صاحب‌میراث شان‌می‌گردند نظر به زنان (یعنی احتمال کسب‌میراث شان به ترتیب ۸۹٪ در مقابل ۳۷٪ می‌باشد). مطابق تحقیق نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال، برادران زنان مانع عمده در بدست آوردن حق‌میراث زنان‌می‌باشند که به تعقیب شان سیستم عدلی و قضائی (محکمه یا پولیس)، فامیل خسر و شوهر شان به ترتیب به حیث چنین موانع شناخته شده‌اند.

تحقیق مذکور نیز نشان‌می‌دهد که زنان توسط ادارات حکومتی با تبعیض مواجه شده‌اند و قتی‌که آنها برای خواستن حق‌میراث شان به ارگان‌های عدلی و قضائی مراجعه کرده‌اند، تقریباً ۳۳٪ زنان رشوه خواسته شده بود، این نشان‌دهنده آن است که رشوه نیز یکی از عوامل عمده ایست که زنان را از اخذ‌میراث شان دلسرد‌می‌سازد. تحقیق نیز نشان‌می‌دهد که اکثریت زنان، ۵۱٪، که صاحب دارائی‌اند، چنین دارائی را به‌میراث برده‌اند، در حالیکه ۱۰٪ شان در مهر، و ۳۹٪ شان دارائی را با عاید خود خریداری نموده‌اند. در مقایسه، ۹۱٪ جواب دهندگان ذکور دارائی را به‌میراث برده در حالیکه فقط ۹٪ شان دارائی را با عاید خویش خریداری نموده‌اند.

قسمیکه حق‌میراث یک امر شرعی بوده، فلذا زنان نباید در گرفتن حق‌میراث خود عار نمایند. اما سوال اینجاست که چرا این حق برای زنان داده نمی‌شود؟ باید گفت که زنان از ترس و حیائی که دارند نمی‌خواهند از راه قانونی حق‌میراث‌شان را از خانواده پدر بخواهند، و یا هم از ترس اینکه رابطه شان با خانواده شان خراب شود، لذا از حق‌میراث، مالکیت، نفقه و مهر خود منصرف‌می‌گردند.

زنان تنها بخاطر گرفتن حق‌میراث از سوی پدر شان با مشکلات مواجه نبوده بلکه بسیاری زنان بیوه بخصوص آن‌عهه زنانی که فرزند پسر ندارند، از سوی فامیل شوهر شان از حق‌میراث محروم‌می‌گردند. علاوه براینکه برای این‌گونه زنان و دختران حق‌میراث داده نمی‌شود، خود و دختران شان خلاف رضایت آنها به حیث حق ارث در عقد ازدواج توسط اقارب شان آورده‌می‌شوند.

زنان فکرمی‌کنند که در تقسیم‌میراث، هر چه که برادر و یا پدرمی‌گویند و لازم‌می‌دانند، همان درست است که بنا بر همین منظور، زنان زیادی از حق‌میراث محروم‌می‌مانند و یا سهم اندکی برایشان داده‌می‌شود. برای اینکه هر شخص بتواند از حق‌میراث بهره‌مند شود، بهتر است خانواده‌ها برای تقسیم مال‌میراث به محاکم خانوادگی مراجعه نمایند تا قضات مطابق به احکام شرعی و قوانین نافذ کشور این معضل را حل نمایند.

کلیه موانع و مشکلات فوق در دسترسی زنان به حق تعلیم، وظیفه، عاید، میراث و دارائی سبب گردیده تا زنان در ایفای نقش خود در تمام عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حضور کم‌رنگ داشته باشند و در نتیجه عدالت و برابری بین مرد و زن در جامعه تحقق پیدا نکند. بدین لحاظ وزارت امور زنان با هماهنگی ادارات ذیربط مصمم بر آن گردید تا روی پالیسی دسترسی زنان به حق میراث و مالکیت کار نماید تا بعد از تطبیق این پالیسی، زنان بتوانند حق میراث خویش را بدست آورند و هیچ نوع موانع در تصاحب حق میراث شان وجود نداشته باشد.

برای تقویت خود کفایی و استقلالیت اقتصادی زنان و تطبیق احکام دین مبین اسلام در افغانستان، باید طبق شریعت اسلامی و قانون مدنی افغانستان به تمام زنان حق میراث‌شان داده شود، و حق مالکیت ایشان مراعات و حفظ گردد.

طبق قانون طرز تحصیل حقوق، ماده هجدهم؛ احضار معروض علیه و اخذ ضمانت احضار از وی، تحصیل حقوق و تطبیق حکم محکمه تحت نظر اداره حقوق توسط پولیس صورت می‌گیرد. هرگاه تطبیق حکم قطعی و نهایی محکمه ایجاب تنفیذ اجباری را نمایند اداره پولیس مکلف به اتخاذ تدابیر امنیتی خاص و تامین امنیت هیئت موظف می‌باشد. وزارت امور داخله مکلف است به منظور تطبیق حکم قطعی و نهایی محکمه، قطعه خاص پولیس را در مرکز و ولایات ایجاد و در ادارات حقوق وزارت عدلیه توظیف نماید.

ریشه و عوامل مشکل و راه حل ها

جهت دست یابی به اهداف و مقاصد پالیسی دسترسی زنان به حق میراث و مالکیت، مشکلات ذیل شناسایی و برای هریک آنها راه حل ها پیشنهاد گردیده است.

۱. پائین بودن سطح آگاهی عامه

با وجود وضاحت احکام شریعت اسلامی و قوانین نافذ کشور، زنان در سراسر کشور در دست یابی به حق میراث و مالکیت با چالش‌های گوناگونی روبرو اند. شماری از خانواده‌ها زنان را مستحق میراث نمیدانند و یا به دادن مال اندک به آنها اکتفا میکنند. همچنان تقاضای حق میراث از نگاه فرهنگی شرم و عار پنداشته میشود. تقاضای زن به حق میراث موجب صدمه رسیدن و یا قطع رابطه وی با خانواده اش میگردد. به منظور تأمین دسترسی زنان به حق مالکیت و میراث بلند بردن سطح آگاهی عامه امر لازمی پنداشته می‌شود.

راه حل ها

الف: وزارت امور زنان با ادارات ذیربط حکومتی به ویژه وزارت معارف، وزارت تحصیلات عالی، وزارت ارشاد، حج و اوقاف، وزارت عدلیه، وزارت اطلاعات و فرهنگ، کمیسیون مستقل حقوق بشر و شورای علما جهت بلند بردن سطح آگاهی عامه هماهنگی و همکاری لازم ایجاد نموده و تفاهم نامه‌های همکاری را به امضاء برساند.

ب: وزارت ارشاد، حج و اوقاف، وزارت عدلیه، وزارت تحصیلات عالی، وزارت معارف در همکاری با وزارت امور زنان مواد آگاهی دهی عامه را بر اساس قانون و در روشنی احکام شریعت اسلامی تهیه نماید.

ج: وزارت امور زنان از طریق ریاست‌های ولایتی برنامه‌های آگاهی دهی عامه را در هماهنگی با ریاست‌های ولایتی ارشاد، حج و اوقاف، معارف، پوهنتون ولایات، عدلیه، اطلاعات و فرهنگ، کمیسیون حقوق بشر و شورای علما تدویر نماید.

د: وزارت ارشاد، حج و اوقاف نیز مطابق طرز‌العمل انتخاب خطبه‌ها برای مساجد مواد آگاهی دهی عامه را در تقسیم اوقات ملا امامان مساجد در نظر گرفته تطبیق نماید.

۲. رسوم و عنعنات ناپسند

افغانستان دارای یک جامعه سنتی است که بیشتر مردم آن تابع رسم و رواج‌های حاکم در جامعه اند. اثرات سوء رسوم خلاف اصول شریعت اسلامی و قوانین نافذه همه افراد جامعه را متأثر ساخته و مانع رشد فرهنگی آنان میگردد، اما در این میان بیشترین صدمه را بر زنان وارد می‌نماید. رسوم و عنعنات ناپسند همانطوریکه مانع سهم‌گیری و اشتراک فعال زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی میگردد؛ مانع دست‌رسی آنها به حق میراث و مالکیت نیز می‌گردد.

راه حل‌ها

الف: وزارت امور زنان، وزارت حج و اوقاف، وزارت اطلاعات و فرهنگ، کمیسیون مستقل حقوق بشر، وزارت عدلیه، وزارت امور داخله و شورای علما باید تدابیر لازم قانونی را به منظور مبارزه و جلوگیری از رسم و رواج‌های ناپسند که مانع حق میراث و مالکیت زنان می‌گردد روی دست گیرد.

ب: رسوم و عنعنات ناپسند مانع حق میراث و مالکیت زنان باید جرم‌انگاری گردیده و عاملین آن مورد تعقیب عدلی قرار گیرند.

ج: نهاد‌های فوق‌الذکر باید برای روشن ساختن اذهان مردم و جلوگیری از رسوم و عنعنات خلاف شریعت اسلامی و قوانین نافذه آگاهی دهی نمایند.

۳. پروسه اخذ میراث

اخذ و تقسیم میراث در خانواده‌های افغان به ویژه در سطح ولایات موضوع جنجال برانگیزی است که سبب دشمنی، خشونت، قطع روابط و حتی کشت و خون می‌گردد، که در این میان باز هم زنان صدمه بیشتر را می‌بینند. در صورتیکه میراث عین باشد، با وجود صراحت قانون و میکانیزم‌های موجود در قسمت انتقال ملکیت، سند (قباله عرفی) تبادل نمی‌شود، و یا جهت تعیین حصر وراثت و قباله شرعی به محاکم مراجعه نمی‌گردد. بناء نیاز است تا محاکم و واحد‌های اداری ذیربط در این زمینه اقدامات لازم را اتخاذ و با مردم همکاری نمایند:

راه حل‌ها

الف: ادارات ذیربط حکومتی باید اقدامات لازم را روی دست گیرند تا پروسه تقسیم ترکه و حصر وراثت از طریق ادارات رسمی (محاکم و واحد‌های اداری مربوط) صورت گیرد و سند قباله و یا مالکیت تبادل گردد.

ب: وزارت امور زنان، وزارت عدلیه، کمیسیون مستقل حقوق بشر، انجمن مستقل وکلای مدافع، اداره اراضی و لوی سارنوالی باید زنان را در امر دست رسی به محاکم و یا مرجع مربوطه جهت اخذ میراث و کسب سند به نام خود شان همکاری نمایند.

ج: محاکم و سایر ادارات ذیربط حکومتی به قضایای میراث و مالکیت زنان اولویت بدهند.

د. محاکم و ادارات ذیربط جهت تسهیل و تسریع روند تثبیت، اخذ و انتفاع حق میراث و مالکیت زنان تفاهم نامه های همکاری را عقد نمایند.

۴. مساعدت حقوقی

زنان جهت دست یابی به حق میراث و مالکیت خویش نیاز به مساعدت های حقوقی به ویژه مشوره های حقوقی و وکیل مدافع دارند. اکثریت این زنان از نگاه اقتصادی در وضعیتی قرار ندارند تا وکیل مدافع استخدام نمایند. از سوی هم در دسترسی به نهاد های عدلی و قضائی با مشکل مواجه اند زیرا بر مبنای فرهنگ حاکم مراجعه به محاکم جهت کسب میراث منجر به تنش های خانوادگی خواهد گردید. پس به صورت جدی نیاز به همکاری و مساعدت های حقوقی دارند.

راه حل ها

الف: وزارت عدلیه و انجمن مستقل وکلای مدافع باید مساعدت های حقوقی رایگان را برای زنان متقاضی حق میراث و مالکیت در سطح مرکز و ولایات فراهم نماید.

ب: ادارات ذیربط در زمینه ارائه مساعدت های حقوقی برای زنان متقاضی حق میراث و مالکیت با هم همکاری و هماهنگی لازم بر قرار نمایند.

ج: بعد از امضای تفاهمنامه همکاری دوجانبه بین وزارت امور زنان و وزارت عدلیه، ادارات مذکور مسئولیت های ذیل را دارا می باشند.

- وزارت عدلیه برای متقاضیان حق میراث که از طرف وزارت امور زنان به آن اداره ارجاع داده می شود، مساعدت های حقوقی را فراهم می سازد.
- وزارت عدلیه اعداد و ارقام مساعدت های حقوقی را که بر اساس تقاضای وزارت امور زنان فراهم نموده و قضایایی را که وزارت عدلیه به آن رسیدگی نموده به دسترس وزارت امور زنان قرار دهد.
- وزارت عدلیه به خصوص ریاست عمومی مساعدت های حقوقی طبق سند تقنینی مساعدت های حقوقی رابرای زنان درقسمت دسترسی به میراث و مالکیت در سطح مرکز و ولایات ارائه نمایند.
- وزارت عدلیه در صورت نیاز و براساس تقاضای وزارت امور زنان مساعدت های حقوقی را درقسمت ارائه مشوره های حقوقی برای دسترسی زنان به میراث و مالکیت شان فراهم می سازد.
- وزارت عدلیه اعداد و ارقام قضایای حل و فصل شده را، که در نتیجه آن زنان صاحب زمین و مالکیت جایداد می گردند، به دسترس وزارت امور زنان قرار می دهد.

د: وزارت امور زنان با انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان یک تفاهمنامه همکاریهای دوجانبه را در قسمت ارائه مساعدت‌های حقوقی در حل قضایای دسترسی زنان به حق میراث و مالکیت امضاء نماید تا در صورت نیاز به همکاری این انجمن با وزارت امور زنان در قسمت توظیف وکلای مدافع رایگان کمک نماید.

- انجمن مستقل وکلای مدافع مطابق به تفاهمنامه همکاری دوجانبه وکلای مدافع را در قسمت ارائه مساعدت‌های حقوقی در قضایای دسترسی زنان به میراث و مالکیت تشویق می‌نماید و تعداد مساعدین خاصی را سالیانه در حل و فصل این قضایا اختصاص دهد. (وزارت امور زنان بر اساس نیاز در رابطه به تعداد مساعدین حقوقی با انجمن توافق نماید)
- انجمن مستقل وکلای مدافع اعداد و ارقام مساعدت‌های حقوقی را که بر اساس تقاضا وزارت امور زنان فراهم نموده و قضایای را که وزارت عدلیه خود شان به آن رسیدگی نموده به دسترس وزارت امور زنان قرار دهد.

۵. حق مالکیت زنان

در افغانستان متأسفانه زنان به دلایل عرفی و فرهنگی حق مالکیت محدود دارند. چون حق مالکیت محدود دارند به همین دلیل در فعالیت‌های اقتصادی و تجارتي نیز نقش مؤثر ندارند. بخش عمده از حق مالکیت زنان را مهر که جز ملکیت زن به شمار می‌رود، تشکیل می‌دهد. در بعضی موارد دیده شده که مهر بصورت خیالی تعیین می‌گردد. زیرا در عمل دیده شده است که مهر یک خانم زمین، درخت، دکان و یا خانه است که اصلاً زوج مالک آن نمیباشد و یا همان مال مهر چند خانم در یک خانواده تعیین گردیده است.

از سوی هم شماری از زنان که فعالیت‌های اقتصادی دارند و یا بیرون از منزل شاغل اند با وجود داشتن پول اما زمین، خانه و یا موتر؛ به نام پدر، برادر و یا شوهرشان خریداری می‌گردد. دولت باید هر نوع اقدام لازم قانونی، اداری و مالی را روی دست گیرد تا زنان کشور بتوانند به حقوق خویش از جمله حق مهر، مالکیت و انتفاع عین دست یافته و از لحاظ اقتصادی، توانائی‌های لازم را به دست بیاورند.

راه حل‌ها

الف: ستره محکمه باید تدابیر لازم قانونی را انجام دهد تا ثبت ازدواج‌ها در سراسر کشور اجباری گردیده و میزان مهر زنان ثبت نکاحنامه رسمی گردد. در صورتیکه مهر زن زمین، خانه و یا دوکان باشد در صورت امکان سند ملکیت آن بنام زن تغییر یابد.

ب: ستره محکمه، اداره اراضی با همکاری ادارات ذیربط در قسمت ثبت داراییها و اموال زنان بنام خودشان و اولویت دهی در رسیدگی به قضایای ملکیت زنان، تدابیر لازم اتخاذ کند.

ج: وزارت امور زنان در هماهنگی و همکاری با سایر ادارات ذیربط در سراسر کشور آگاهی دهی نماید که زنان حق معاملات اقتصادی و تجارتي دارند.

جوانب دخیل پالیسی

وزارت امور زنان و تمام ادارات ذیربط دیگر به شمول ستره محکمه، لوی خاڼوالی، وزارت ارشاد، حج و اوقاف، شورای علماء، وزارت عدلیه، وزارت اطلاعات و فرهنگ، اداره مستقل اراضی افغانستان، و انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان، ارگان‌های محل، وزارت امور داخله، کمیسیون مستقل حقوق بشر، اداره احصایه مرکزی، وزارت معارف، تحصیلات عالی و جامعه مدنی بعد از

امضای تفاهمنامه‌های همکاری دوجانبه و بر اساس چنین تفاهمنامه‌ها در تطبیق این پالیسی نقش خود را ایفاء می‌نمایند.

ساحه تطبیق

این پالیسی در تمام نقاط افغانستان به سطح ولایات، ولسوالی‌ها و قریه جات مورد تطبیق قرار می‌گیرد.

تطبیق و نظارت

تطبیق

بعد از نهائی شدن این سند پالیسی، وزارت امور زنان مسؤلیت دارد تا یک پلان ملی عمل مشخص را برای تطبیق پالیسی دسترسی زنان به حق میراث و مالکیت بسازد. در این پلان باید تمام فعالیت‌ها مشخص گردیده باشد، وقت و تطبیق کنندگان فعالیت‌های مذکور باید بر اساس توافق و تفاهم متقابل بین وزارت امور زنان و ادارات ذیدخل تعیین گردد. این پلان تطبیقی در رابطه با مناطق و زون‌ها نیز معلومات مشخص را در بر گیرد که در کدام ولایات چه نوع برنامه‌ها برای آگاهی و تطبیق این پالیسی مد نظر گرفته و تطبیق می‌شوند.

بودجه

ادارات تطبیق کننده این پالیسی، مسؤل اند تا بودجه فعالیت‌های مرتبط به تطبیق پالیسی را در پلان‌های سالانه خویش بگنجانند.

نظارت

بعد از نهائی شدن این سند پالیسی، وزارت امور زنان مسؤل است تا یک پلان جامع را برای نظارت از تطبیق پالیسی دسترسی زنان به حق میراث و مالکیت در سراسر کشور بسازد. پلان مذکور باید شاخص‌های مشخصی داشته باشد که بر اساس آنها پیشرفت تطبیق این پالیسی سنجش خواهد گردید.

مقررات نهائی

تنفیذ

وزارت امور زنان و سایر شرکای کاری و ادارات ذیربط دولتی مکلف‌اند تا بعد از تصویب و امضاء این سند توسط کمیته جندر کابینه و وزیر امور زنان، پالیسی مذکور را در همه ساحات کاری مربوطه خویش تطبیق نمایند.

تجدید نظر/ مرور

این پالیسی برای مدت ۵ سال تهیه و تدوین گردیده است که هر سال بنابر شرایط و حالات از سوی وزارت امور زنان مورد تعدیل و بازنگری قرار میگیرد.